

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰(

اینستاگرام: @tosee_irani

منهای فوتبال

کشتی فرنگی ایران در رده زیر ۲۳ سال قهرمان جهان شد

فتح لاس وگاس

نگار رشیدی

لاس‌وگاس آمریکا، شهری که همواره با هیاهو و نورهای خیره‌کننده‌اش شناخته می‌شود، این‌بار میزبان درخشش بی‌بدیل پسران کشتی فرنگی ایران بود؛ جایی که شاگردان حسن رنگرز در رقابت‌های زیر ۲۳سال قهرمانی جهان، باعبور از تمامی مواج، پرچم ایران را بر فراز سکوی نخست به‌هزتا از درآوردند. کسب ۱۱۹ امتیاز و ایستادن بالاتر از قدرت‌های بلامنازع این رشته یعنی قرقاستان و روسیه، نشان از اقتداری داشت که برای چهارمین بار در پنج دوره به‌ایران را به عنوان پادشاه بلامنزاع این رده سنی در جهان ثبت کرد. این قهرمانی نه‌تنها یک پیروزی ورزشی، بلکه یک‌داستان پر فراز و نشیب از اراده، غلبه بر بحران و بازگشت‌های باشکوه بود که در قلب خاک‌آمریکارقم‌خورد.



داستان این فتح بزرگ، بسیار پیش‌تر از سوت آغاز مسابقات و روی تشک‌های لاس‌وگاس آغاز شد. چران از همان روزهای پیش از اعزام سایه‌سنگین خود را بر اردوی تیم ملی انداخته بود. ماجرای صدور ویزای کاروان ورزشی ایران به یک گره کور و یک جنگ روانی تمام‌عیار تبدیل شده بود؛ تا جایی که علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی، با موضعی قاطعانه و اولتیمایم صریح اعلام کرد که اگر حتی ویزای یک نفر از اعضای تیم صادر نشود، کل کاروان از حضور در این مسابقات انصراف خواهد داد. این ایستادگی تیمی و اتحاد در نهایت نتیجه داد و سفرات آمریکامجبور به صدور روادید برای تمامی اعضا شد. فرنگی کاران امید ایران با یک تربیت کامل و روحیه‌ای پولادین که از همدین پیروزی در جنگ روانی نشأت گرفته بود، چمدان‌های خود را به مقصد لاس‌وگاس بستند تا ماموریت ناتمام خود را تکمیل کنند.

با این حال، ورود به مسابقات آن گونه که انتظار می‌رفت طوفانی نبود. روز نخست رقابت‌ها با اضطراب و گره‌خوردگی‌های عجیبی روی تشک همراه شد. در پایان نبردهای پنج وزن نخست، نتایج چندان باب میل کادر فنی و هواداران نبود. تنها یک دل‌آور ایرانی توانست خود را به فینال برساند و به کشتی‌گیر دیگر راهی دیدارهای دهم‌دینی شدند تا رنگ خطر برای از دست رفتن جام قهرمانی به‌صدا درآید. فشار روانی روی دوش حسن رنگرز، سرمربی زیرک و کارکشته‌ای که هم‌زمان هدایت تیم ملی بزرگسالان را نیز بر عهده دارد، به اوج خود رسیده بود.

مسیر این قهرمانی تیمی، با یک اتفاق تلخ و فداکارانه نیز همراه شد. آرمین شمسی‌پور در وزن ۵۵کیلوگرم، دلاوری که می‌توانست با عبور از سد حریفان امتیازات حیاتی و ارزشمندی را به‌سید تیمی ایران واړیز کند، با یک مصدومیت بدموقع و در ذناک از ناحیه کتف مواجه شد. در اینجا بود که کادر فنی باید میان کسب امتیاز برای قهرمانی تیمی و حفظ سلامت آیدهدارترین سرمایه‌های کشتی خود، یکی از انتخاب می‌کرد. تصمیم کادر فنی در لحظه‌ها و تساهلی بود؛ برای جلوگیری از تشدید آسیب‌دیدگی، شمسی‌پور از ادامه رقابت‌ها بازماند تا ایران یکی از شانس‌های مسلم خود را برای افزایش امتیازات از دست بدهد.

اما روز دوم، روز رستاختیز فرنگی کاران بود. پسران ایران با درک حساسیت ماجرا و برای جریان امتیازات از دست رفته، روی تشک‌ها طوفان به پا کردند. از میان پنج نماینده ایران در پنج وزن دوم، دو کشتی‌گیر با نمایشی خیره‌کننده و اجرای فنون ناب فرنگی، تمام رقبا را از پیش رو برداشتند و به فینال رسیدند. این بازگشت رویایی، ورق را به سود ایران برگرداند و پایه‌های قهرمانی ام‌جکب کرد. در نهایت، تابلوی نتایج و مدال‌ها شکوه این حماسه را به تصویر کشید. تیم ایران با صید سه مدال طلا و دو مدال برنز، مارا تن نفس‌گیر لاس‌وگاس را به پایان رساند. ابوالفضل مهددی در وزن ۸۲کیلوگرم، با صلابتی بی‌نظیر یکی از خوش‌رنگ‌ترین مدال‌ها را به گردن آویخت. درخشش عرفان جرنکی در وزن ۶۳کیلوگرم و دلاوری نماینده وزن ۸۷کیلوگرم ایران، دو طلای حیاتی دیگر را برای کاروان کشور مان به‌رمغان آورد تا بسند قهرمانی تیمی به نام ایران مهر و موم شود. در کنار این طلایی‌ها، جگندگی محمد کمالی و محمدهادی صیدی نیز به ثمر نشست و دو نشان از رشمند برنز، امتیازات ایران را به عدد دست‌نیافتنی ۱۱۹ رساند.

در این میان، جنگجویانی چون محمد عشیری (۶۰کیلوگرم)، احمد رضا محسن‌نژاد (۷۲کیلوگرم)، اهورا بوبری (۷۷کیلوگرم) و ابوالفضل فتحی (۱۳۰کیلوگرم) با وجود تلاش‌های بی‌وقفه‌شان از دور رقابت‌ها کنارت رفتند. اما سهم آنها در اینجا روحیه جنگندگی و خسته‌کردن رقبای تیمی غیر قابل انکار بود. در جدول رده‌بندی نهایی، قرقاستان با ۱۱۴ امتیاز در حست جام ماند و به نایب‌قهرمانی بسند کرد و روسیه نیز ۵ امتیاز روی سکوی سوم ایستاد. این پیروزی ورزشی به‌تازگی به‌تازگی با افتخار آفرینی فرنگی کاران و فتح سکوی نخست جهان، باید از سد محکم‌ترین رقبای خود یعنی روس‌ها و آمریکایی‌های میزبان عبور کنند؛ برسودی که می‌تواند پایان بخش یک تورنمنت تاریخی و فراموش‌نشدنی برای کشتی ایران در قلب آمریکاباشد.

آر یا طاری

عقره‌به‌های ساعت به سرعت در حال نزدیک شدن به ۱۹ نوامبر ۲۰۲۶ (۲۸آبان‌ماه) هستند؛ شبی که قرار است آسمان باتکوک، با پایتخت تایلند، با ستاره‌های درخشان فوتبال آسیا روشن شود. مراسم برترین‌های سال کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC)، همیشه آوردگاهی برای تاج‌گذاری پادشاهان قاره کهپن بوده‌است. اما امسال، در میان تمام زرق و برق‌ها و کتوشلوارهای دوخته‌شده برای ستارگان، یک نام برای فوتبال ایران ضربان قلب‌ها را تندتر می‌کند؛ علیرضا بیرانوند. پسرکی که روزگاری در خیابان‌های تهران با سروایای ایستادن درون دروازه تیم ملی می‌خواستید، حالا در ۳۴سالگی، در قامت یک ستاره، نامش در میان سه‌نامزد نهایی کسب عنوان مرد سال فوتبال آسیا می‌درخشد. شاید به خاطر رفتارهای بیرونی از زمین، خیلی‌ها دل خوشی از او نداشته باشند اما اتفاق اخیر ی که برای او رخ داده، یک خبر ساده نیست؛ این یک حماسه است، روایتی از سقوط نکردن، جان‌زدن و دوباره برخاستن.

برای درک بزرگی کاری که بیرانوند کرده، باید به هفت سسال پیش بازگردیم. سال ۲۰۱۹، علیرضا در اوج جوانی و پس از درخشش‌های خیره‌کننده‌اش، به جمع سه‌نامزد نهایی راه یافت. آن روزها، همه منتظر بودند تا نام او از پاکت خارج شود. اما تقدیر بازی دیگری در سر داشت و توپ طلا از میان انگشتان کشیده او لیز خورد. خیلی‌ها فکر می‌کردند آن شب، پایان رویای بزرگ بیرو برای فتح این جایزه فردی بود. در فوتبال بی‌رحم امروز، کمتر بازیکنی می‌تواند هفت سال به تنه‌ا از پس دست‌های قله بازگردد.

اما امسال ۲۰۲۶، سال رستاختیز علیرضا بود. جام جهانی ۲۰۲۶ به صحنه هنرنمایی بی‌بدیل او تبدیل شد. در تورنمندی که بزرگ‌ترین ستارگان جهان در آن حضور داشتند، بیرانوند نه‌تنها سنگربان مطمئن پوزه‌های ایرانی بود، بلکه با ثبت عملکردی فرازمینی، در دو مسابقه عنوان برترین بازیکن زمین را از آن خود کرد. گرفتن جایزه بهترین بازیکن زمین برای یک دروازه‌بان در جام جهانی، اتفاقی است که تنها از پس دست‌های جادویی برمی‌آید.

این درخشش تنها به عرصه ملی محدود نشد. علیرضا با پیراهن تراکتور در لیگ نخبگان آسیا، قفس توری تبریزی‌ها را به یک دژ تسخیرناپذیر

چین، با سیستمی مبتنی بر نظم و تاکتیک‌پذیری شرقی، و پارک یون‌جونگ، سرمربی تیم زیر ۲۰سال کره جنوبی، با ایده‌های مدرن و تهاجمی، رقبای جعفری در این مسیر دشوار هستند. با این حال، تفکرات ناب تاکتیکی جعفری و کاریمای بی‌نظیر او در هدایت تیمش، شانس او را برای ایستادن دوباره بر بام آسیا زنده نگه داشته‌است.

فوتبال ایران هرگاه در چمن به مشکل خورده، روی پارکتهای سالن‌های فوتسال جبران کرده‌است. سال گذشته، سالار اف‌پور با تکنیک ستاره‌های غیر قابل مهار است

چهره به چهره

معمای لیست سیاه تار تار و ستارگانی که روی نیمکت یخ زند

در انتظار خدا حافظی؟

نازنین دشتی

پاییز ۱۴۰۵ برای هواداران پرسپولیس با یک پارادوکس بزرگ آغاز شد. روزی که نام مهدی تار تار به عنوان سکاندار جدید نیمکت سرخ‌پوشان پایتخت خروجی خبرگزاری‌ها را تسخیر کرد، موجی از تردید و انتقاد در میان سکو‌ها به راه افتاد. هوادارانی که به نام‌های پرطمطراق و مربیان خارجی عادت کرده بودند، در ابتدا موضع‌گیری تندی علیه این انتخاب داشتند. اما فوتبال، بازی لحظه‌ها و شگفتی‌هاست. تار تار با چهره‌ای آرام اما اراده‌ای پولادین، طوفان انتقادات را با نتایج درخشان درون مستطیل سبز خاموش کرد. حالا، پس از گذشت هشت هفته از مارا تن نفس‌گیر لیگ بیست‌وششم، پرسپولیس با ۱۷ امتیاز بر بام فوتبال ایران ایستاده‌است. تیمی که فراتر از حد انتظار ظاهر شده و مدعی شماره یک قهرمانی به‌شمار می‌رود. اما در پس این صدرنشینی مقتدرانه و در تاریک‌روشن‌ترختن پرسپولیس، درامی خاموش در حال شک‌گیری است؛ درامی از جنس خط خوردن، سکونشینی و ستاره‌هایی که در پا‌داگن تاکتیکی مهدی تار تار، جایگاه خود را از دست داده‌اند. آذیر فرمز در اردوگاه سرخ‌ها به‌صدا درآمده و صدای پای لیست‌مازاد زمستانی از همین حال‌به‌گوش می‌رسد.

برای درک بهتر معمای لیست سیاه، ابتدا باید نگاهی به لیست سفید و نورچشمی‌های تار تار بیندازیم. سرمربی پرسپولیس نشان داده که اهل مامشات و تغییرات پیاپی نیست. او به یک هسته مرکزی اعتماد کرده و پاداش این اعتماد را هم گرفته‌است. پیام



پرواز دوباره در ۳۴ سالگی؛ دست‌های پینه‌بسته بیرو در یک قدمی لمس توپ طلای آسیا

لمس رویا؟

آر یا طاری

تبدیل کرد. واکنش‌های او در لیگ نخبگان، ترکیبی از تجربه یک دروازه‌بان ۳۴ساله و چابکی یک جوان ۲۰ساله بود. همین درخشش‌های پیاپی بود که کارشناسان سخت‌گیر AFC را وادار کرد تا نام او را به عنوان شگفتی بزرگ فهرست سال ۲۰۲۶، در کنار دو مهاجم، هر آگین عربستانی قرار دهند. حالا بیرانوند در یک قدمی تاریخ‌سازی است، اما مسیر رسیدن به توپ طلا از میان آتش می‌گذرد. رقبای او برای فتح این جایزه، دو تن از بهترین و آماده‌ترین ستارگان فوتبال عربستان هستند؛ سالم الدوسساری و فراس البریکان. این رقابت، تداعی‌کننده نبردهای کلاسیک و تاریخی فوتبال ایران و عربستان است. از یک سو، ماشین گلزنی و تکنیک ناب سعودی‌ها با حمایت دلارهای نفتی و امکانات بی‌نظیر لیگ عربستان قرار دارد و از سوی دیگر، دروازه‌بان جسور ایرانی که با تکیه بر استعداد خالص و اراده پولادینش به این نقطه رسیده‌است. الدوسساری با حرکات ویرانگرش و البریکان با چارچوب‌شناسی بی‌نظیرش، رقبایی نیستند که بتوان به‌سادگی از کنارشان گذشت. اما بیرانوند پیش از این نشان داده که تخصصش، مهار کردن ستاره‌های غیر قابل مهار است. آیا او می‌تواند پس از هفت سال، طلسم را بشکند و توپ طلای آسیا را به آغوش بکشد؟ پاسخ این سوال در آرای کارشناسان در باتکوک نهفته‌است.

در کنار هجسان و صفت‌ناپذیر برای بیرانوند، فوتبال ایران یک نماینده فوق‌العاده دیگر هم در باتکوک دارد. مر ضیه جعفری، زنی که سال گذشته با اقتدار تمام عنوان بهترین سرمربی فوتبال زنان آسیا را به دست آورد و نام خود را به عنوان اولین سرمربی (مرد یا زن) فراس فاتح این جایزه در تاریخ ثبت کرد، حالا دوباره در فهرست نهایی حضور دارد. داستان مر ضیه جعفری، داستان غلبه بر محدودیت‌هاست. او که سال گذشته قله آسیا فتح کرد، حالا برای دومین سال پیاپی کاندیدا شده تا یک دبل تاریخی را رقم بزند. اما دفاع از عنوان قهرمانی همیشه سخت‌تر از به دست آوردن آن است. امسال، کنفدراسیون فوتبال آسیا رقبای سرسختی را در کنار نام او قرار داده‌است. ما ژاپو، سرمربی تیم زیر ۱۷سال چین، با سیستمی مبتنی بر نظم و تاکتیک‌پذیری شرقی، و پارک یون‌جونگ، سرمربی تیم زیر ۲۰سال کره جنوبی، با ایده‌های مدرن و تهاجمی، رقبای جعفری در این مسیر دشوار هستند. با این حال، تفکرات ناب تاکتیکی جعفری و کاریمای بی‌نظیر او در هدایت تیمش، شانس او را برای ایستادن دوباره بر بام آسیا زنده نگه داشته‌است.

فوتبال ایران هرگاه در چمن به مشکل خورده، روی پارکتهای سالن‌های فوتسال جبران کرده‌است. سال گذشته، سالار اف‌پور با تکنیک ستاره‌های غیر قابل مهار است

چهره به چهره

معمای لیست سیاه تار تار و ستارگانی که روی نیمکت یخ زند

نیازمند درون دروازه و محمد مهدی زارع در قلب خط دفاعی، با ثبتر و کورد شگفت‌انگیز ۷۲۰ دقیقه حضور در میدان، نمادهای ثبات پرسپولیس تار تار هستند. آنها در تمام ثانیه‌های این هشت بازی در زمین حضور داشته‌اند. در کنار این دو، مجید عیدی با ۷۱۶ دقیقه دوندگی بی‌امان در ترکیب، به ماشین خستگی‌ناپذیر تیم تبدیل شده‌است. پویا پورعلی و محمد خداندن‌دهر که دام‌با ۶۷۵ دقیقه و محمد مهدی مجبی با ۶۲۲ دقیقه حضو، نبض میانه‌میدان و حملات پرسپولیس را در دست دارند. پیام تار تار با این ذایق حاضر، از کمال‌شغاف‌است؛ هر کس در پاژل تاکتیکی من جابگیر، د پادشاهی من است. اما روی دیگر این سکه، برای چند ستاره نام‌آشنا و گران‌قیمت، به شدت بی‌رحم و سرد بوده‌است.

در راس لیست مغضوبین تار تار، نام دو بازیکن خارجی می‌درخشد که حالا بیشتر شبیه به تماشاگران ویژه و گران‌قیمت در استادیوم‌های ایران هستند تا ستاره‌های تیم به‌شمار می‌روند. دنیل گرا، مدافع ارشد اهل مجارستان، شاخص‌ترین چهره‌ایرین تبعید خاموش است. بازیکنی که در بازار زمستانی فصل گذشته با نظرسقیم‌اوسمار ویرا، سرمربی وقت پرسپولیس، با سروصدای زیاد و قراردادی سنگین به تهران آمد. او در فصل قبل ۶بار پیراهن پرسپولیس را به تن کرد اما هرگز نتوانست انتظارات را برآورده کند. با ورود تار تار، شرایط برای گراز ابد به فاجعه تغییر کرد. مدیران باشگاه به دلیل بندهای قرارداد و تعاملات مالی، این مدافع مجارستانی را حفظ کردند. اما تار تار حتی یک دقیقه هم به‌او فرصت نداده‌است! اگر ادا بازی‌های دوستانه پیش‌فصل حتی موفق به گلزنی هم شد و هیچ مصدومیتی نیز در پرونده پزشکی‌اش دیده نمی‌شود، اما در هشت هفته اخیر، سهم او از بازی‌های پرسپولیس فقط نشستن روی سکو‌ها و تماشای بازی هم‌تیمی‌ها بوده‌است. گرا حالا عنوان تلخ‌گران‌ترین سکونشین لیگ ۲۶ را یدک می‌کشد. اما تازدی ستاره‌های خارجی به مدافع مجارستانی ختم نمی‌شود. مارکو باکیچ، هافبک باتجربه مونتنگرویی که فصل گذشته رهبر بلامنزاع خط میانی سرخ‌پوشان و مغز متفکر حملات این تیم بود، حالا به یک نیمکت‌نشین مطلق تبدیل شده‌است. سقوط باکیچ در دوران تار تار غیر قابل باور است؛ او در فصل جاری تنها در سه مسابقه و جمعا ۱۱ دقیقه فرصت حضور در میدان را پیدا کرده‌است. در پنج مسابقه دیگر، این هافبک طراح با ۹۰ دقیقه تمام روی نیمکت میخکوب شد. به یازرو سکو‌ها بازی را دنبال کرده‌است. تار تار با قاطعیت نشان داده که دوندگی و جنگندگی جوانانی مثل پویا پورعلی، پوریا لطیفی‌فر و محمد خداندن‌دلو را به تجربه و تکنیک هافبک مونتنگرویی ترجیح می‌دهد. پایان امپراتوری باکیچ در میانه میدان پرسپولیس، یکی از بزرگ‌ترین تصمیمات جسورانه تار تار در این فصل است.

شاید عجیب‌ترین نام در حوالی لیست سیاه مهدی تار تار، امیرحسین محمودی باشد. بازیکنی که وضعیت او یک پارادوکس تمام‌عیار در فوتبال ایران است. محمودی آن قدر توانایی دارد که پای ثابت اردوهای اخیر تیم ملی بزرگسالان ایران باشد. امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی، چنان اعتقادی به این ستاره جوان دارد که او را با کاروان ایران به تیخوانای مکزیک برد تار در فضای بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبالی جهان یعنی جام جهانی ۲۰۲۶ حضور داشته‌باشد. اما پسری که در تیم ملی محبوب قلعه‌نویی است، در باشگاهش

برنامه‌محوری چون ژاپن و استرالیا، بیشتر به یک شوخی تلخ و از عجایب روزگار شبیه‌است تا یک دستاورد واقعی. وقتی به ویتترین فوتبال پایه ایران نگاه می‌کنیم، جز ناکامی‌های سریالی، حذف‌های زودهنگام و بی‌برنامگی مطلق چیزی به چشم نمی‌خورد. چگونه فدراسیونی که تیم‌های ملی نوجوانان، جوانان و امید آن یکی پس از دیگری در مسابقات قاره‌ای طعم تلخ شکست و حذف را می‌چشد و حسرت صعود به المپیک برای فوتبال ما به نیم قرن نزدیک می‌شود، می‌تواند کاندیدای توسعه فوتبال پایه باشد؟ در کشوری که باشگاه‌های لیگ برتر ی‌اش حتی از داشتن یک زمین چمن و تمرین استاندارد برای آکادمی‌های خود محروم‌اند و تیم‌های پایه اغلب به منبعی برای درآمدزایی دلالتان و بازیک‌پولی‌ها تبدیل شده‌اند، دریافت یا حتی نامزدی چنین جایزه‌ای توهینی آشکار به مفهوم توسعه‌است. زاین بابرنامه‌های توسعه‌محور و استرالیا با سرمایه‌گذاری عظیم در مدارس فوتبال، خروجی آکادمی‌های خود را به برترین لیگ‌های اروپایی صادر می‌کنند؛ اما در ایران، فوتبال پایه یعنی رها شدن استعدادهای ناب در شهرستان‌ها و فقدان هرگونه لیگ منظم و پویا در رده‌های سنی پایین. به نظر می‌رسد معیارهای کنفدراسیون فوتبال آسیا برای این انتخاب، تنها به چند گزارش کاغذی، فرم‌های پر شده و باور بوبیت‌های پرزرق‌وبرق‌رسانی‌از سوی



نیازمند درون دروازه و محمد مهدی زارع در قلب خط دفاعی، با ثبتر و کورد شگفت‌انگیز ۷۲۰ دقیقه حضور در میدان، نمادهای ثبات پرسپولیس تار تار هستند. آنها در تمام ثانیه‌های این هشت بازی در زمین حضور داشته‌اند. در کنار این دو، مجید عیدی با ۷۱۶ دقیقه دوندگی بی‌امان در ترکیب، به ماشین خستگی‌ناپذیر تیم تبدیل شده‌است. پویا پورعلی و محمد خداندن‌دهر که دام‌با ۶۷۵ دقیقه و محمد مهدی مجبی با ۶۲۲ دقیقه حضو، نبض میانه‌میدان و حملات پرسپولیس را در دست دارند. پیام تار تار با این ذایق حاضر، از کمال‌شغاف‌است؛ هر کس در پاژل تاکتیکی من جابگیر، د پادشاهی من است. اما روی دیگر این سکه، برای چند ستاره نام‌آشنا و گران‌قیمت، به شدت بی‌رحم و سرد بوده‌است.

در راس لیست مغضوبین تار تار، نام دو بازیکن خارجی می‌درخشد که حالا بیشتر شبیه به تماشاگران ویژه و گران‌قیمت در استادیوم‌های ایران هستند تا ستاره‌های تیم به‌شمار می‌روند. دنیل گرا، مدافع ارشد اهل مجارستان، شاخص‌ترین چهره‌ایرین تبعید خاموش است. بازیکنی که در بازار زمستانی فصل گذشته با نظرسقیم‌اوسمار ویرا، سرمربی وقت پرسپولیس، با سروصدای زیاد و قراردادی سنگین به تهران آمد. او در فصل قبل ۶بار پیراهن پرسپولیس را به تن کرد اما هرگز نتوانست انتظارات را برآورده کند. با ورود تار تار، شرایط برای گراز ابد به فاجعه تغییر کرد. مدیران باشگاه به دلیل بندهای قرارداد و تعاملات مالی، این مدافع مجارستانی را حفظ کردند. اما تار تار حتی یک دقیقه هم به‌او فرصت نداده‌است! اگر ادا بازی‌های دوستانه پیش‌فصل حتی موفق به گلزنی هم شد و هیچ مصدومیتی نیز در پرونده پزشکی‌اش دیده نمی‌شود، اما در هشت هفته اخیر، سهم او از بازی‌های پرسپولیس فقط نشستن روی سکو‌ها و تماشای بازی هم‌تیمی‌ها بوده‌است. گرا حالا عنوان تلخ‌گران‌ترین سکونشین لیگ ۲۶ را یدک می‌کشد. اما تازدی ستاره‌های خارجی به مدافع مجارستانی ختم نمی‌شود. مارکو باکیچ، هافبک باتجربه مونتنگرویی که فصل گذشته رهبر بلامنزاع خط میانی سرخ‌پوشان و مغز متفکر حملات این تیم بود، حالا به یک نیمکت‌نشین مطلق تبدیل شده‌است. سقوط باکیچ در دوران تار تار غیر قابل باور است؛ او در فصل جاری تنها در سه مسابقه و جمعا ۱۱ دقیقه فرصت حضور در میدان را پیدا کرده‌است. در پنج مسابقه دیگر، این هافبک طراح با ۹۰ دقیقه تمام روی نیمکت میخکوب شد. به یازرو سکو‌ها بازی را دنبال کرده‌است. تار تار با قاطعیت نشان داده که دوندگی و جنگندگی جوانانی مثل پویا پورعلی، پوریا لطیفی‌فر و محمد خداندن‌دلو را به تجربه و تکنیک هافبک مونتنگرویی ترجیح می‌دهد. پایان امپراتوری باکیچ در میانه میدان پرسپولیس، یکی از بزرگ‌ترین تصمیمات جسورانه تار تار در این فصل است.

شاید عجیب‌ترین نام در حوالی لیست سیاه مهدی تار تار، امیرحسین محمودی باشد. بازیکنی که وضعیت او یک پارادوکس تمام‌عیار در فوتبال ایران است. محمودی آن قدر توانایی دارد که پای ثابت اردوهای اخیر تیم ملی بزرگسالان ایران باشد. امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی، چنان اعتقادی به این ستاره جوان دارد که او را با کاروان ایران به تیخوانای مکزیک برد تار در فضای بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبالی جهان یعنی جام جهانی ۲۰۲۶ حضور داشته‌باشد. اما پسری که در تیم ملی محبوب قلعه‌نویی است، در باشگاهش

حضور نام فدراسیون فوتبال ایران در بخش جایزه ویژه رئیس AFC برای فوتبال پایه، بیشتر به یک شوخی تلخ شبیه‌است. در کشوری که باشگاه‌های لیگ برتر ی‌اش حتی از داشتن یک زمین چمن و تمرین استاندارد برای آکادمی‌های خود محروم‌اند، دریافت یا حتی نامزدی چنین جایزه‌ای توهینی آشکار به مفهوم توسعه‌است

فدراسیون نشین‌ها محدود شده‌است؛ مستنداتی که هیچ نسبیتی با واقعیت اسفناک آکادمی‌ها در ایران ندارند. این نامزدی نه‌تنها جای افتخار و بالیدن ندارد، بلکه باید آینه‌ای باشد تا مدیران فوتبال مانتاکارآمدی و شکست‌های پیاپی ساختار پایه را در آن ببینند، نه آنکه پشت این سراب قاره‌ای پنهان شوند.

در میان تسمای این اخبار مسرت‌بخش، یک حسرت بزرگ نیز در فهرست AFC به چشم می‌خورد. در بخش انتخاب بهترین لژیونر مرد سسال قاره کهپن، جای خالی دو ستاره خط حمله تیم ملی، یعنی مهدی طارمی و سردار آزمون، به شدت احساس می‌شود. سال گذشته طارمی تا یک قدمی این جایزه رفت اما در نهایت لی کانگ‌این از پاری‌سن‌ژرمن آن را تصاحب کرد. امسال ام‌عرصه لژیونرها به تسخیر بازیکنان شرق آسیا درآمده‌است. آیا سه اوندا (ستاره ژاپنی فاینورد)، هوانگ این‌بوم (هافبک خلاق کره‌ای که‌ا فاینورد به پورتو کوچ کرد) و لی کانگ‌این (که حالا با پیراهن اتلتیکو مادرید می‌درخشد)، سه گزینه نهایی این بخش هستند. غیبت طارمی و آزمون، یادآور این نکته‌است که رقابت در بالاترین سطح فوتبال آسیا تاجه حدی، رحمانه و فشرده‌است و درخشش در اروپا، نیازمند استمراری بی‌وقفه‌است.

نودهم نوامبر، تنها یک تاریخ در تقویم نیست؛ بلکه می‌تواند روزی باشد که تاریخ فوتبال ایران دوباره نوشته می‌شود. از یک سسو مر ضیه جعفری می‌تواند ثابت کند که نبوغ زنان ایرانی در عرصه مربیگری، یک جرقه زودگذر نبوده و از سوی دیگر، ستارگان فوتسال آماده‌اند تا تاج و تخت خود را حفظ کنند. اما در مرکز تمام ایسن اتفاقات، داستان علیرضا بیرانوند قرار دارد. دروازه‌بانی با دست‌های بلند، پرتاب‌های تاریخی و قلبی که به وسعت

یک ملت می‌تپد. او حالا در ۳۴سالگی، پخته‌تر، آرام‌تر و باتجربه‌تر از همیشه‌است. رقابت باالدوساری والبریکان سخت‌است. اما برای مردی که سال‌ها پیش سختی‌های زندگی را یکی پس از دیگری مهار کرده، هیچ تویی غیر قابل مهار نیست. آیا داستان پینه‌بسته پسرک خرم‌بادی، سرانجام در باتکوک، توپ طلای آسیا را به آسمان خواهد داد؟ آیا او می‌تواند به‌سال‌ها سلطه بازیکنان هجومی بر این جایزه پایان دهد و ثابت کند که ارزش نجات دادن یک دروازه، کمتر از فرو ریختن آن نیست؟ فوتبال ایران نفس‌هایش را در سینه حبس کرده‌است؛ به امید ششی که باتکوک، به احترام بیرو بایستد و کف بزند. ششی برای طلسم‌شکنی، شبی برای تاریخ‌سازی و شبی برای لمس یک رویای طلایی.

چهره به چهره

مغضوب تار تار شده‌است. بازیکنی که تجربه هم‌نفس شدن با ستاره‌های جهانی در مکزیک را دارد، در بازگشت به تهران باید از روی نیمکت سرورز شگاه‌ها کار دنبال کند. محمودی در این فصل تنها در سه بازی و جمعا ۲۶ دقیقه به میدان رفته‌است. پنج بازی دیگر برای او چیزی جز تماشای بازی هم‌تیمی‌هایش نبوده‌است. تار تار در پست او ترجیح داده روی نام‌های جوان دیگری مثل پویااسی، یاسین سلمانی و محمدحسین صادقی سرمایه‌گذاری کند. سبک بازی محمودی ظاهرا هیچ سختی‌با ایده‌های تاکتیکی و پرس‌پرفشار سرمربی پرسپولیس ندارد و این دوگانگی در جایگاه ملی و باشگاهی، او را در قدم‌به‌قدم در ب‌های خروجی باشگاه قرار داده‌است.

اگر گرا باکیچ و محمودی را مثلث اصلی لیست سیاه تار تار بدانیم، دو نام بزرگ دیگر نیز به سرعت در حال نزدیک شدن به این سیاهه هستند تا فرمول ۳+۲+۳ تکمیل شود. اولین نفر از این زوج، دانیال ایری است. انتقالی پرسروصدا، جذاب و البته هزینه‌که هواداران پرسپولیس روی آن حساب ویژه‌ای باز کرده بودند. اما دوران حضور ایری در ترکیب اصلی، به کوتاهی یک پلک زن بود. او در این فصل تنها در دو بازی به مدت ۲۹ دقیقه فرصت بازی پیدا کرد و همان زمان کوتاه کافی بود تا با یک اشتباه مهلک و نابخشدونی در دیدار حساس مقابل تراکتور، تمام رشته‌های اعتماد تار تار را پنبه‌اند. ایری پس از آن بازی مستقیما به انتهای صف مدافعان تبعید شد. اوج فاجعه برای این مدافع گران‌قیمت قرار داد و تعاملات مالی، این مدافع مجارستانی را حفظ کردند. اما تار تار حتی یک دقیقه هم به‌او فرصت نداده‌است! اگر ادا بازی‌های دوستانه پیش‌فصل حتی موفق به گلزنی هم شد و هیچ مصدومیتی نیز در پرونده پزشکی‌اش دیده نمی‌شود، اما در هشت هفته اخیر، سهم او از بازی‌های پرسپولیس فقط نشستن روی سکو‌ها و تماشای بازی هم‌تیمی‌ها بوده‌است. گرا حالا عنوان تلخ‌گران‌ترین سکونشین لیگ ۲۶ را یدک می‌کشد. اما تازدی ستاره‌های خارجی به مدافع مجارستانی ختم نمی‌شود. مارکو باکیچ، هافبک باتجربه مونتنگرویی که فصل گذشته رهبر بلامنزاع خط میانی سرخ‌پوشان و مغز متفکر حملات این تیم بود، حالا به یک نیمکت‌نشین مطلق تبدیل شده‌است. سقوط باکیچ در دوران تار تار غیر قابل باور است؛ او در فصل جاری تنها در سه مسابقه و جمعا ۱۱ دقیقه فرصت حضور در میدان را پیدا کرده‌است. در پنج مسابقه دیگر، این هافبک طراح با ۹۰ دقیقه تمام روی نیمکت میخکوب شد. به یازرو سکو‌ها بازی را دنبال کرده‌است. تار تار با قاطعیت نشان داده که دوندگی و جنگندگی جوانانی مثل پویا پورعلی، پوریا لطیفی‌فر و محمد خداندن‌دلو را به تجربه و تکنیک هافبک مونتنگرویی ترجیح می‌دهد. پایان امپراتوری باکیچ در میانه میدان پرسپولیس، یکی از بزرگ‌ترین تصمیمات جسورانه تار تار در این فصل است.

شاید عجیب‌ترین نام در حوالی لیست سیاه مهدی تار تار، امیرحسین محمودی باشد. بازیکنی که وضعیت او یک پارادوکس تمام‌عیار در فوتبال ایران است. محمودی آن قدر توانایی دارد که پای ثابت اردوهای اخیر تیم ملی بزرگسالان ایران باشد. امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی، چنان اعتقادی به این ستاره جوان دارد که او را با کاروان ایران به تیخوانای مکزیک برد تار در فضای بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبالی جهان یعنی جام جهانی ۲۰۲۶ حضور داشته‌باشد. اما پسری که در تیم ملی محبوب قلعه‌نویی است، در باشگاهش